

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و برزنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

برتولت برشت

برگردان از: حمید محوی

ویراستار پورتال: موسوی

۳۱ جولای ۲۰۱۹

## اپرای چهار پنی- ۷

(اپرای گدایان) - ۳۱ اگست ۱۹۲۸

### Die Dreigroschenoper

با اعلام نافرمانی مدنی از قوانین و موازین کپی رایت برای ترجمه آثار به زبان فارسی و انتشار آزاد و رایگان در انترنت



Universal-Edition A. G. 1928, 80 Seiten, Erstdruck (Wilpert/Gühning<sup>2</sup> 12).

## سرود سپاسگزاری

ای آدم هائی که پس از ما زندگی می کنید،  
علیه ما سنگ دل نباشید  
وقتی استخوان های ما را کشف می کنید  
بر ما به تمسخر نگاه نکنید  
ما را محکوم نکنید، که به دست عدالت کشته شدیم،  
زیرا عدالت هر دم رنگ دیگری به خود می گیرد  
و هیچ انسانی داور عادل نیست.  
از استخوان های پوکیده ما بیاموزید :  
از شرارت های ما هیچ کس نمی خندد،  
ولی خدای را دعا کنیم که همه این گناهان را بر ما ببخشاید.

...

به دخترانی که برای پذیرائی سخاوتمندانه  
پستانهایشان را نشان دادند  
به اوباشی که در پی روسپیان دویدند  
به دیوانه ها، جیب برها و قاتلان کار کشته  
به فریاد می گویم سپاسگزارم

ولی نه این سگ های پولیس  
که مرا از نفس انداختند  
نه این حرامزاده های مکار  
دلم می خواهد آنها را در حال مرگ ببینم  
ولی اکنون دژخیم مرا فراخوانده است  
آنان قویترینند، چنین است  
و برای اجتناب از نزاع  
به آنها نیز می گویم سپاسگزارم

**اسمیت** : آقای مکیت، خواهش می کنم.  
**خانم پیچوم** : پلی و لوسی، در آخرین لحظات زندگی شوهرتان را همراهی کنید.  
**مکیت** : خانم ها با وجود همه آن چه بین ما روی داده...  
**اسمیت** ( او را به جلو می برد ) : به جلو !

پلکان دار.

( همه پشت در سمت چپ که زیر نور دیده می شود ناپدید می شوند. سپس در آن سوی صحنه دیده می شوند و هر کدام یک فانوس به دست دارند. وقتی مکیت پای دار ایستاده، پیچوم سخنرانی می کند. )

**پیچوم :** حضار محترم، ما به اینجا آمده ایم :

آقای مکیت اعدام خواهد شد،

زیرا چنان که می دانید در این دنیای پائینی

هر آدمی باید حساب پس بدهد.

ولی برای این که فکر نکنید ما به شکل خشونت آمیزی رفتار می کنیم، قهرمان داستان اعدام نخواهد شد.

برای آن که دست کم شما در اپرا ببینید که ترحم بر قانون پیشی می گیرد

و به این علت که ما خواهان خوبی شما هستیم

این بار سفیر شاه از راه می رسد!

( روی تابلو دیده می شود )

**سومین پایانه اپرای چهارپنی**

**سفیر شاه از راه می رسد**

**گروه سراینندگان :**

گوش کنید، گوش کنید! ببینید چه کسی از راه رسیده است!

سفیر شاه از راه رسیده است!

سفیر شاه، هیچ کس دیگری به جز براون نیست.

براون سوار بر اسب جنگی چالاک وارد می شود.

**براون :** به مناسبت تاجگذاری، ملکه دستور داده است که کاپیتان مکیت فوراً آزاد شود ( صدای فریاد شادی ). و به همین مناسبت، ملکه ( همه دست می زنند و فریاد شادی می کشند ) دستور داده است که کاخ مولبریک به عنوان اقامتگاه شخصی، و ده هزار لیور به او اهداء گردد. ملکه برای تمام زوج های حاضر در این جا آرزوی نیکبختی دارد.

**مکیت :** نجات، نجات پیدا کردم! بله، در عمیق ترین ناامیدی ها است که آدمی بیش از همیشه به راه نجاتش نزدیک می شود.

**پلی :** نجات پیدا کردی، مکی عزیزم نجات پیدا کرد. خیلی احساس خوشبختی می کنم.

**خانم پیچوم :** هر چیزی خوب است به شرط این که خوب تمام شود. قبول کنید که اگر سفرای دربار همیشه به موقع می رسیدند، زندگی ما خیلی ساده تر و مطبوع تر می شد.

**پیچوم :** همه سر جای خودتان بمانید، و «سرود محروم ترین محرومان» را بخوانید که امروز زندگی آنها را به نمایش گذاشتید، زیرا در واقعیت روزمره، پایان کار آنها غم انگیز است. سفرای دربار به ندرت به یاری ستم دیدگان می شتابند.

( همه با هم به همراهی آهنگ ارگ می خوانند و به جلوی صحنه می آیند. )

با بی رحمی تمام تبهکاری را مجازات نکنید. به زودی به خودی خود از بین خواهد رفت، زیرا محکوم است. به شب و  
سرمای گور بیندیشید که در جهان دوزخیان زمین پنجه افکنده است.  
ادامه دارد